

مطالعه نقش مسئولیت مدنی شهردار و شهرداری و تاثیر آن بر مدیریت شهری و رضایت مندی شهروندان

مهدی صادقی نیا^{۱*}

چکیده

هدف از انجام این مقاله مطالعه نقش مسئولیت مدنی شهردار و شهرداری و تاثیر آن بر مدیریت شهری و رضایت مندی شهروندان است. یکی از نهادهای مهم در هر کشور و شهری، شهرداری های می باشند. شهرداری ها به عنوان یک نهاد حقوق عمومی غیردولتی در ایفای وظایف خدمات رسانی به شهروندان ممکن است باعث بروز خسارت هایی گردند که احکام و قواعد ایجاد مسولیت مدنی آنها با دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی مشترک بوده است. اساساً کسی شهروند شمرده می شود که تنها فرمانگزار شهرداری نباشد، بلکه از حقوق فطری و حقوق طبیعی نیز برخوردار باشد، شهرداری این حقوق را رعایت و از آن حمایت می کند، منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می کند. حقوق شهروندی مجموعه ای از حقوق خصوصی و حقوق عمومی است. حقوق خصوصی در مقابل حقوق عمومی قرار می گیرد و امتیازی است که هر شخص در برابر دیگران دارد؛ مانند حق مالکیت، حق انتفاع، حق شفعه، حق رهن و حق خیار. این حقوق مانند حق تملک و تصرف اموال، اماکن مسکونی و تجاری و... ممکن است توسط شهرداری ها نقض شود. از عمده وظایف و اختیارات شهرداری ها که در ماده ۵۵ قانون شهرداری ها و سایر مقررات پیش بینی شده، اعمال تصدی گری است که با حقوق اشخاص تعارض پیدا می کند. تملک زمین و املاک مردم، خیابان کشی و احداث پارک و فضای سبز و مکان های عمومی دیگر که در املاک اشخاص صورت می گیرد، تنظیم معابر، جلوگیری از سد معبر، مراقبت در امر بهداشت ساکنان شهر، رفع خطر از بناها، جلوگیری از احداث بناها غیر مجاز و این ها از آن جمله است. معمولاً انجام این امور همیشه با رضایت طرف مقابل شهرداری صورت نمی گیرد و این موضوع زمینه ساز بیدایش مشکل حقوقی در شهرداری ها در برابر مانع محکمی به نام «حقوق شخصی» می گردد.

واژه های کلیدی: مسئولیت مدنی شهردار، شهرداری، رضایت مندی شهروندان، مدیریت شهری.

^۱ نویسنده مسئول: کارشناسی حقوق، دانشگاه پیام نور جهرم / Mehdi.sadeghinia@yahoo.com

مقدمه

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است. مسئولیت مدنی زمانی به وجود می آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد، فرق نمی نماید عملی که موجب زیان شده جرم باشد یا شبه جرم. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته میشود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده عالانه و منطقی از دیر باز وجود داشته که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آنرا جبران کند، مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نا متعارف جلوه نکند. مسئولیت مدنی در جایی میتواند وجود داشته باشد که بین دو شخص هیچ پیمان و قراردادی نباشد و یکی از آن دو به دیگری به عمد یا به خطا، زیان برساند. به این موارد مسئولیت مدنی یا خارج از قرارداد گفته می شود. (ساری، ۱۴۰۱)

بر مبنای تعریف عام در هر مورد که شخص قاضی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. بر مبنای تعریف مذکور، زیان دیده، طلبکار و مسئول، بدهکار و موضوع بدهی جبران خسارت نامیده میشود و مسئول کسی است که باید آثار خطائی را که مرتکب شده تحمل نماید و هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. اگرچه مسئولیت اخلاقی باشد لیکن مسئولیت مدنی و اخلاقی با یکدیگر تفاوت دارند به لحاظ اینکه مسئولیت اخلاقی به معنای شرمساری وجدان است که بیشتر جنبه شخصی دارد در حالی که مسئولیت مدنی جنبه نوعی و اجتماعی دارد و معیار آن رفتار متعارف و متداول افراد جامعه است. در مسئولیت مدنی ورود ضرر تجلی خارجی فعل یا ترک فعل زیانبار می باشد که خسارت وارده شرط تحقق مسئولیت مدنی است. (میر نظامی، ۱۴۰۰)

امروزه اهمیت و جایگاه شورا و شهرداری ها در توسعه و تحول شهری بر هیچ کس پوشیده نیست. شهرداری ها با توجه به وظایف متعدد و گوناگونی که مطابق قانون (ماده ۶۸ قانون تشکیلات) وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی و شهرداران و ماده ۵۵ قانون شهرداری ها برای سازماندهی امور مختلف شهرها و توانمند کردن آنها برعهده دارند، دارای جایگاه ویژه ای در سطح مدیریت شهری و عموم شهروندان هستند. بسیاری از شهروندان در طول شبانه روز به طور مستقیم و عینی با برخی فعالیت های شهرداری ها نظیر: حمل و نقل عمومی، زیباسازی شهری، ساماندهی پسماندها، توسعه فضای سبز، مبلمان شهری، ساخت و ساز، احداث و بهسازی پیاده روها و معابر، آتش نشانی و خدمات ایمنی و ... مواجه اند. یک نکته مهم در خصوص شهرداری ها این است که هر چقدر عملکرد آنها از نظر شهروندان مطلوب باشد، میزان رضایت شهروندان از مجموعه مسئولان منطقه، شهر، استان و کشور نیز افزایش می یابد، بنابراین عملکرد شهرداری ها که در صف نخست خدمت رسانی به مردم هستند، از ابعاد گوناگون دارای اهمیت می باشد. نکته مهم دیگر اینکه خدمات شهرداری ها تأثیر بسزایی در برقراری عدالت در جامعه به ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته دارد. همچنین اداره و مدیریت شهرهای امروز نسبت به گذشته دستخوش تحولات گسترده ای شده و عملکرد شهرداری ها نه تنها از لحاظ حجم و تنوع فعالیت ها بلکه از لحاظ نحوه انجام امور، ساختارهای حاکم بر مدیریت شهری و قوانین و مقررات با شهرداری های گذشته متفاوت شده است. حرکت مناسب و تأثیرگذار در این عرصه از سوی شهرداری ها نیازمند استفاده از نظرات عموم مردم و استفاده از پتانسیل های آنها و روزآمد کردن برنامه ریزی ها برای اتخاذ راهکارهای مناسب و عملیاتی برای مواجهه با موضوعات اصلی است. در

دنیای امروز می‌توان ادعا کرد دستیابی به پیشرفت مستلزم بهره‌مندی از عقلانیت، مشارکت عمومی و ترویج روحیه کار گروهی است. در واقع، تمام کشورهای توسعه یافته رمز موفقیت خود را مشارکت مناسب شهروندان در اداره جامعه و حضور آنان در فعالیت‌های داوطلبانه و عمومی میدانند. براساس نتایج پژوهش‌های علمی؛ مشارکت مردم در اداره امور و تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف مرتبط با محل زندگی خود عامل مهمی برای ارتقاء سطح زندگی اجتماعی آنان محسوب می‌شود. نمود بارز مداخله و مشارکت مردم در امور اجتماعی را باید در تشکیل گروه‌های منسجم، هدفدار و خودجوش همانند تشکل‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد جستجو کرد. بطور کلی، در فرآیند توسعه پایدار این سازمان‌ها از جمله گروه‌های تأثیرگذار (از سطح محلی تا ملی) محسوب می‌شوند که پایداری و نهادینه شدن طرح‌های توسعه مستلزم توجه به نقش آنها در برنامه‌های اجتماع محور است. از نظر سازمان‌های بین‌المللی (نظیر سازمان ملل) و قوانین بین‌المللی (نظیر منشور ملل متحد) هم حضور آحاد مردم و مشارکت آنها در تشکیل و گسترش سازمان‌های غیردولتی (بعنوان شخصیت‌های قانونی و حقوقی) بسیار مهم است. همچنین در دین مبین اسلام نیز بر استفاده از ظرفیت‌های مردمی و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری و اجرای امور بوسیله آحاد مردم تأکید بسیاری شده است به گونه‌ای که مردم در تشکیل حکومت، قانونگذاری، سیاست‌گذاری، اجرای قوانین و اداره کشور نقشی جدی و فعال دارند. در جامعه کنونی ما توجه به برخی مسائل علیرغم نیاز مبرم مجموعه‌های تصمیم‌گیر و مجری (نظیر دولت و مدیریت شهری) مغفول مانده است که واگذاری انجام امور مردم به دست مردم، حمایت از روحیه کار داوطلبانه و استفاده از ظرفیت تشکل‌های غیردولتی از آن جمله به شمار می‌رود. در واقع، به دلایلی همچون ساختار پیچیده، ناکارآمدی و فربه بودن چارچوب اداری کشور، نداشتن برنامه استراتژیک بلندمدت و عدم آشنایی مردم با رسالت این سازمان‌های مردم‌نهاد؛ الزامات و بسترهای ورود حداکثری تشکل‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد به عرصه‌های اجرایی و مشارکتی به ویژه در حوزه‌های شهری کمتر فراهم شده است. (معصومی، ۱۴۰۱)

قطعا در این بین نمیتوان نقش حمایتی دولت و نهادهای مسئول (از جمله شورای شهر و شهرداریها) برای درگیر کردن آحاد جامعه با معضلات واقعی و ملموس موجود، سپردن امور به آنها و تقویت تشکل‌های مردمی را نادیده گرفت. از اینرو، تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین حمایتی در رابطه با سازمان‌های مردم‌نهاد خواهد توانست ضمن رفع موانع و چالش‌های پیش‌روی این سازمان‌ها، اجرای بهتر امور در جوامع شهری را میسر سازد و توجه به این موضوع در واقع تلاشی برای تحقق تأکیدات امام راحل (ره) و نیز مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با واگذاری کار مردم به مردم است. در ایران نیز امروزه و به ویژه در دو دهه اخیر حضور و فعالیت مردم در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد مانند شهرداری از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. (نیک‌نژاد، ۱۳۹۸)

وظایف شهرداری در چارچوب حقوق شهری

پدیده توسعه یافتگی در کشورهای صنعتی و رشد شتابان جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه، زمینه بروز نیاز اجتماعی تنظیم رابطه مدیریت شهری با شهروندان و روابط شهروندان با یکدیگر را در خصوص مسائل شهری و در جهت استفاده بهینه از امکانات محلی در شکلی هماهنگ با اهداف ملی بیش از پیش آماده ساخت. بر این اساس و در راستای پاسخ به این نیاز محلی، جمع‌آوری قوانین پراکنده موجود در لابلای مقررات حقوق عمومی داخلی از

یک سو و تدوین قوانین و مقررات جدید از سوی دیگر، خاستگاه اولیه پیدایش حقوق شهری را فراهم نمود. (ساری، ۱۴۰۱) مطالعات انجام یافته در این رشته نوپای حقوق به رغم گستردگی قلمرو آن، به وسعت رشته‌های با سابقه همچون حقوق مدنی نبوده، با این وجود، به علت گستردگی وظایف سازمان‌های محلی و مشارکت‌های مردمی در امور عمومی، قلمرو این رشته حقوقی در حال گسترش روز افزون است. در کشور ما اگرچه از زمان تدوین قوانین و مقرراتی که به گونه‌ای با حقوق شهری در ارتباط میباشند و در لابلای مقررات حقوقی عمومی داخلی جا گرفته اند بیش از سه ربع قرن گذشته است، لکن، سابقه طرح آن به عنوان یک رشته جدید حقوقی، مربوط به دو دهه اخیر است. مدیریت شهری یکی از موضوعات مهم و اساسی این رشته حقوقی است. با توجه به تحولات قانونی کشورمان در این زمینه و اجرای اولین دور قانون شوراها در سال‌های اخیر موضوع یاد شده وارد مرحله تازه‌ای گردیده است. در این میان انجمن شهر سابق که امروزه در حوزه مدیریت شهری با عنوان «شورای اسلامی شهر» از آن یاد میگردد نقش مهمی ایفا مینماید. این نهاد ناظر و تصمیم‌گیرنده با توجه به اصول ۶، ۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون اساسی از حوزه عملکردی وسیع‌تر از نظارت در امور شهرداری برخوردار می‌باشد. با این وجود، سابقه تاریخی پیش‌بینی انجمن شهر و مقررات مربوط به آن در قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ از یک سو و تجلی یافتن قواعد عام مربوط به حوزه اختیارات شوراها، در قانون شوراها به شکلی تفصیلی و خاص از سوی دیگر، شورای اسلامی شهرها را عملاً در مسیری قرار داد تا به عنوان اولین گام، مصوبات خود را از طریق شهرداری (به عنوان مؤسسه‌های عمومی که مجری مصوبات شورای اسلامی شهر) می‌باشد. به مرحله اجرا درآورند. با این توجه و با عنایت به برخورداری این نهاد ناظر و تصمیم‌گیرنده از اختیارات وسیع در زمینه وضع مقررات محلی، وجود مرجع یا مراجعی که به امر نظارت در امور این نهاد منتخب مردم اهتمام ورزند امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. (رسول، ۱۳۹۹)

شهرداری

سازمان شهرداری در ایران با تصویب قانون بلدیة پا به عرصه وجود نهاد. «بلد» به معنای شهر است و «بلدیة» نام قدیم شهرداری است. شهرداری از نظر لغوی از دو کلمه «شهر» و «داری» تشکیل شده که «داری» به معنی اداره و مدیریت و «شهر» به جایی که دارای شهرداری باشد اطلاق می‌شده است. بنابراین از نظر لغوی «شهرداری» را میتوان سازمان اداره شهر دانست که از حیث ریشه یابی نیز معادل لغت انگلیسی «municipality» است. این لغت از ریشه لاتین «municipum» به مفهوم «جمع سکنه یک محل که برای منافع مشترک دور هم جمع شده اند، اقتباس شده است. تعریف‌هایی که از مفهوم شهرداری شده، به اندازه‌ای زیاد است که مشکل بتوان از میان آنها تعریفی جامع استخراج کرد. به طور کلی می‌توان گفت: «شهرداری موسسه عمومی غیردولتی و برخوردار از شخصیت حقوقی مستقل است که بر پایه نظام عدم تمرکز محلی در حدود وظایف و تکالیف محوله از سوی قانون‌گذار در محدوده شهر و در چارچوب بودجه و برنامه مصوب با لحاظ قوانین و مقررات موضوعه، به ارائه پاره‌ای خدمات شهری و اداره بخشی از امور محلی زیر نظر شورای شهر و با هماهنگی وزارت کشور می‌پردازد (شرافتی، ۱۴۰۲).

مسئولیت مدنی شهرداری

در جریان زیان وارده به غیر را باید از زیرشاخه های مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق عمومی همچون دولت به شمار آورد. هر چند به موجب بند (۱) ماده واحده قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ «شهرداری ها و شرکت های تابعه آنان مادام که بیش از پنجاه درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری ها باشد» موسسه عمومی غیردولتی محسوب میشوند و بموجب ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور «موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ... واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا میشود...» اما از این نظر که ارائه دهنده خدمات عمومی هستند، میتوان و دولت را دارای احکام مشترک دانست. هر چند امروزه ضرورت جبران زیان وارده به دیگری، از اصول مسلم حقوقی شناخته میشود و تفاوتی نیز میان اشخاص حقیقی و حقوقی (اعم از اشخاص حقوقی عمومی و حقوق خصوصی) قائل نمی شوند اما بنا به اختلافی که درخصوص اصل پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات دولت و نهادهای عمومی در گذشته وجود داشته. موافقان وجود چنین مسئولیتی دلایلی همچون ریشه اخلاقی لزوم جبران خسارت و صدق عنوان کارفرما بر دولت و نهادهای عمومی و نیز اصل تساوی اشخاص حقیقی و حقوقی در جبران خسارات وارد به دیگری (ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران) را بعنوان مبانی آن برمی شمردند که در نظام حقوقی ایران نیز، هر چند بموجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب، ۱۳۳۹ اصل وجود چنین مسئولیتی پذیرفته شده، اما قیودی بر آن وارد آمده که نیازمند بررسی است. لازم است ذکر شود که تحقق قواعد عمومی مسئولیت مدنی شامل وجود ضرر مسلم و مستقیم و جبران نشده؛ ارتکاب فعل زیانبار؛ و وجود رابطه علیت میان فعل زیانبار و ضرر وارده نیز در مانحن فیه ضروری است. (نیک نژاد، ۱۳۹۸)

مفهوم مدیریت شهری

مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان ها و افرادی گفته می شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند. پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی باشد و هر عنصری که به شکلی در فرآیند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیطه قرار دارد.

ارکان مسئولیت مدنی

مدیران شهری مسئولیت مدنی دولت و شهرداری ها در قبال شهروندان حوزه ای از مسئولیت در قانون اساسی و منابع معتبر فقهی محسوب می گردد به خصوص در عرصه هائی از زندگی صنعتی امروزی که شهرداری ها فعالیت کاملاً انحصاری دارند به نحوی محسوس و شفاف تر است. اساساً مردم در یک ارتباط قهری از خدمات شهرداری بهره مندند و به همان نسبت از نتایج زیانبار آن برخوردار می شوند؛ در این فرآیند زیان دیدگان اسباب و وسایل تحقیق و اطمینان از سلامت و صحت اعمال شهرداری را در اختیار نداشته و از سوی دیگر اساس این تحقیق منطبق اجتماعاً و ضمانت اجرائی ندارد و در نظام های مختلف سیاسی این امر از وظایف تعریف شده دولت بوده و تابع مقررات قانونی خاص می باشد. در این راستا توجه به مسئولیت مدنی و مبانی مسئولیت شهرداری حائز اهمیت است. (میرنظامی،

پیشینه

دیباچی و قدردان ایزدی (۱۳۹۶) در تحقیق بررسی جایگاه مسئولیت مدنی در نظام حقوقی شهرداری‌ها بیان کردند شهرداری به عنوان یک سازمان اداری، محلی و غیر متمرکز اداره امور شهر را برعهده داشته و در رهگذر انجام وظایف خود ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورد که درحوزه مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گرفته است. لذا شهرداری هادر اجرای وظایف و تعهدات ویژه خود، همچنین اجرای قوانین و مقررات ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و تملک اراضی و ابنیه واقع در طرح ممکن است گونه‌هایی عام و ویژه از مسئولیت ناشی از نقض حریم خصوصی را داشته باشند. حریم خصوصی به عنوان یک اصل بنیادین و اخلاقی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و شامل اموری است که فرد بتواند دسترسی به آن را در کنترل داشته باشد. در حقوق ایران مسئولیت مدنی شهرداری‌ها چون سایر اشخاص حقوقی ذیل عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر و درکنار مسئولیت مدنی دولت مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی مبانی توجیهی و قانونی جهت مسئولیت مدنی شهرداری‌ها با عنایت به پذیرش نظام مبتنی بر تقصیر در حقوق موضوعه ما علاوه بر نظریه تقصیر، نمی‌توان از نظریه‌های بدون تقصیر غافل ماند. چه بسیاری موارد جبران خسارات در قالب نظریه تقصیر قابل توجه نبوده و لذا جهت بی‌جبران نماندن زیان و تحقق هدف مسئولیت مدنی باید به این نظریات توجه نمود. جهت تحقق مسئولیت مدنی وجود ارکانی چون زیان، فعل زیانبار، رابطه سببیت و در نظام حقوقی ما غالباً اثبات تقصیر نیز لازم می‌باشد. بر مبنای ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی (که مبنای قانونی مسئولیت مدنی شهرداری‌ها می‌باشد) خسارت ممکن است محصول تقصیر شخصی کارمندان یا خطای اداری شهرداری باشد که در صورت تقصیر شخصی، کارمند از مال خود مکلف به جبران خسارت بوده و درخطای اداری حکم به مسئولیت شهرداری داده میشود و به هنگامی که خسارت حاصل از تقصیر شخصی و خطای اداری باشد قاعده تضامن جاری است، هرچند که احتمال مسئولیت مشترک داده شود. گاه نیز تخلف اداری کارمند تقصیر تلقی و ممکن است موجب مسئولیت شود. درخصوص زیان، ورود زیان‌های جمعی به افراد نامحصور، به نظر تصور مسئولیت مدنی برای شهرداری‌ها را دشوار می‌نماید. فعل زیانبار نیز می‌بایست همزمان با انجام وظیفه اداری و مرتبط با آن باشد تا قابلیت انتساب به شهرداری را داشته باشد. نتیجتاً هرچند اقدامات شهرداری‌ها غالباً خدماتی و درجهت رفاه حال عمومی بوده و جنبه غیر انتفاعی دارد لیکن چنانچه در اجرای وظایف خود باعث ورود خسارت به دیگران گردند به حکم قانون مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند. در خصوص صلاحیت محاکم در رسیدگی به موضوع، با عنایت به تقلید ناقص حقوق ایران از فرانسویان، دیوان عدالت اداری در برخی موارد در دعاوی مسئولیت مدنی علیه شهرداری‌ها، هر زمان که مبنای دعوا یک تقصیر اداری بوده وارد عمل شده است.

معصومی و افشون (۱۴۰۱) در تحقیق وظایف شهرداری در چارچوب حقوق شهری بیان کردند شهرداری‌ها در سطح جهانی از جمله سازمان‌هایی هستند که نقش مهمی در توسعه کشورها و گسترش عرصه‌های مدنی دارند. این سازمان‌ها در ایران، از جایگاه اصلی خود که برنامه ریزی و مدیریت امور شهری است، دور مانده‌اند و تبدیل به سازمان‌هایی با نیروی انسانی ناکارآمد و خدمات نه‌چندان با کیفیت، بویژه در شهرهای متوسط و کوچک شده‌اند. امروزه شهرها و شهرداری‌ها از نظر مدیریتی و برنامه ریزی با شرایطی متغیر روبه‌رو هستند. افزایش انتظارات و نیازهای مردم، کاهش منابع مالی و تخریب محیط زیست، پیچیدگی‌های اجتماعی و کالبدی شهر از جمله مشکلاتی است که امروزه مدیران شهری با آن مواجه‌اند. رویکرد کنونی شهرداری‌ها مبنی بر امر برنامه ریزی توسعه شهری و عمدتاً

راه حل‌هایی در ارتباط با مسائل گذشته‌اند. این راه‌حل‌ها که زمانی از اعتبار برخوردار بودند، به طور نسبی اهمیت خود را از دست داده و به دنبال این تغییرات، شیوه‌های اداره شهری متمرکز و سلسله‌مراتب تک ساختاری و تک بعدی نیز به دنبال آن ناپدید می‌شود. در کشور ایران نیز با روش‌های نوین مدیریتی و غیر متمرکزی که به اجرا گذاشته شده و همچنین با شکل‌گیر شوراها و اسلامی شهر، موضوع مدیریت شهرها در راس بحث‌ها و گفتارهای سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است از این رو ارتقا شرایط مدیریت شهری و بهبود وضعیت شهرداری‌ها باید با عنوان یکی از اهداف برنامه‌ها و از عوامل موثر در بهبود اداره شهر و عملکرد شهرداری مورد توجه قرار گیرد و انتخاب مدیر واجد شرایط و مجرب برای شهرداری‌ها می‌تواند از مهمترین عوامل موثر در بهبود اداره یک شهر محسوب شود. پیچیدگی مسائل شهری و پدیده‌های جاری در آن به حدی است که مدیریت این مجموعه در هم تنیده نیازمند برنامه‌ریزی و تشکیل سازمان‌های مسئول می‌باشد. مدیریت شهری به عبارتی یک سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی ذیربط و موثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت و کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه است که از بخش‌ها و نهادهای مختلفی تشکیل می‌شود.

میرنظامی و بهادر (۱۴۰۰) در تحقیق بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در رویه قضائی بیان کردند واکاوی مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری مسئله اصلی مقاله پیش رو می‌باشد. بررسی ارکان مسئولیت مدنی در مدیریت شهری مسئولیت مدنی مدیریت شهری در جبران خسارت ناشی از تکالیف قانونی و بررسی مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری در رویه قضائی محور کلی پژوهش بوده است که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. مهم‌ترین ارکان مسئولیت مدنی در مدیریت شهری تقصیر، وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت است. از این فرضیه می‌توان نتیجه گرفت که در صورت عدم ترمد و تقصیر، به طریق اولی دولت مسئول است و اصلاً می‌توان گفت مفاد و مدلول این سنت آن است که از نظر شرعی در اثبات مسئولیت مدنی، دولت، نظریه ایجاد خطر و در باب تقصیر اداری مسئولیت مطلق دولت دیدگاه مورد قبول و اصل پذیرفته شده به شمار می‌آید در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید. بنابراین قطعی و مسلم بودن ضرور آن را قابل مطالبه می‌نماید یعنی شرط قابلیت مطالبه فرد این است که قطعی و مسلم باشد. مسئولیت مدنی در حوزه مدیریت شهری در رویه قضائی در سالیان اخیر جایگاه مهمی دارد و در مواردی از قبیل تقصیر پیمانکار حوادث غیر مترقبه و خسارت تخریب اموال بیش از سایر موارد مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا نیز دو نمونه از آرای صادره در این خصوص ذکر گردید.

روستایی گرایلو (۱۴۰۰) در تحقیق بررسی مسئولیت مدنی شهرداری‌ها ناشی از اجرای مصوبات شوراها و اسلامی شهر بیان کرد شهرداری سازمان اداری محلی، جهت اداره امور شهر است که وظایف آن را غالباً قانون شهرداری مشخص نموده است. مسوولیت مدنی شهرداری‌ها را در کنار مسوولیت دولت و در قالب مسوولیت ناشی از فعل غیر می‌آورند. مبنای قانونی مسئولیت مدنی شهرداری‌ها، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ است. بر مبنای این ماده خسارت ممکن است محصول تقصیر شخصی کارمندان یا خطای اداری شهرداری باشد و ورود خسارت به اجتماع تقصیر شخصی کارمندان یا خطای اداری شهرداری باشد و ورود خسارت به اجتماع تقصیر شخصی و خطای

اداری نیز نفی نشده است. آثار هر یک از حالت‌های فوق متفاوت است. به حکم ماده مرقوم در تقصیر شخصی، کارمند شهرداری از مال خود مکلف به جبران خسارت است و در خطای اداری حکم به مسوولیت شهرداری می‌شود و به هنگامی که خسارت حاصل تقصیر شخصی و خطای اداری باشد قاعده تضامن اداری کارمند نیز موجب مسوولیت شود. از نظر تحقق مسوولیت نیز وجود شرایط عمومی تحقق مسوولیت مدنی ضرورت دارد علاوه بر آن کارمند بودن عامل ورود زیان و وجود تقصیر، آن هم در معنای خاص خودش الزامی است. در خصوص مسوولیت مدنی باید نظریه تقصیر مدنظر قرار گیرد. ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز تصریح کرده است: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤل است نه سبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

نیک نژاد و سرایی (۱۳۹۸) در تحقیق بررسی حقوقی حاکم بر مسوولیت مدنی اعضای شورای شهر و شهرداری در ایران بیان کردند در بررسی و مطالعات نگارنده در مورد حکمرانی خوب شهری در کشورهای مورد مطالعه (آمریکا، انگلیس) شواهد نشان می‌دهند در دو کشور نخست که حکمرانی شهری در وضعیت مناسب و مطلوبی بوده است، به طوری که بسترهای لازم برای تحقق حکمرانی خوب شهری فراهم بوده است اما در دو کشور دیگر با وجود تلاش‌های انجام شده برای تحقق حکمرانی خوب شهری، توفیق چندانی حاصل نشده است که دلایل اصلی آن عبارت از؛ تمرکزگرایی، عدم شفافیت در فرایند و اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیران و مقامات کشوری بوده‌اند. در پایان در مورد شهر تهران میتوان مدعی بود که وضعیت حکمرانی خوب شهری برخلاف کوشش‌های انجام شده حالت تدافعی به خود گرفته و چندان در این زمینه موفق عمل نکرده است که میتواند دلایلی متعددی برای آن ذکر کرد از جمله: عدم مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری، سیاست زدگی برخی از مدیران شهری و می‌باشد.

ساری (۱۴۰۱) در تحقیق بررسی مبانی مسوولیت مدنی شهرداری‌ها در مدیریت شهری بیان کرد یکی از مؤلفه‌های مهم در جهت‌گیری مثبت رفتار یک جامعه در مفهوم مشارکت نهفته است، از اینروست که مفهوم مشارکت، به ویژه از دهه ۷۰ میلادی به بعد به عنوان یک موضوع مهم و کلیدی جای خود را در علوم اجتماعی و سیاسی باز کرد، البته دامنه آن در فلسفه‌های سیاسی نیز تجلی یافت. این معنا، چنان مهم است که در بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر چون همیاری، تعاون، هم‌اندیشی، همراهی، و مددکاری اشتراک مساعی نیز جایگاهی خاص دارد. مشارکت میتواند دارای لایه‌های مختلفی از قبیل مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها، مشارکت در عمل و اجرا و مشارکت در سطح نظارت باشد. از آغاز تاریخ تاکنون، سطوحی از مشارکت را در همه جوامع میتوان یافت و این بیانگر آن است که فطرت سالم آدمی، اقتضای مشارکت دارد، اما نکته اینجاست که امروزه توجه به همه سطوح آن به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای جوامع کنونی تلقی میشود. خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: "همچنان که انسان به عناصر و مرکبات محتاج است تا معاونت (یاری) او دهند، به نوع خود نیز محتاج است تا به طریق خدمت یکدیگر را معاونت کنند.

شرافتی (۱۴۰۲) در تحقیق وظایف حقوقی شهرداری‌ها بیان داشت اقتصاددانان نهادگرا از اوایل قرن بیست بر این مسئله تأکید داشته و تلاش‌هایی در جهت تبیین آن صورت داده‌اند. در این مقاله سعی شد تا نگاه حقوقی به شهرداری

شیراز از دیدگاه نهاد مولد و اقتصادزا به عنوان چارچوبی برای تحلیل مسائل اقتصاد اسلامی ارائه شود. در ابتدا با تعریف نهاد، سعی شد جایگاه آنها را در اقتصاد و عملکرد اقتصادی بررسی شود و تأثیر چنین رویکردی بر مباحث اقتصاد اسلامی سنجیده شود. نهاد مالکیت از دیدگاه اسلام در چنین چارچوبی بررسی شد. وجود نظریه های کاملاً متفاوت که در مقاله ذکر شد نشان می‌دهد که حقوق مالکیت کارا در ادبیات اقتصاد اسلامی نیازمند بازآرایی مجدد است. همانگونه که در تحلیل نهادی نیز ذکر شد حقوق مالکیت کارا بستر اصلی تعاملات بازیگران اقتصادی به شمار می‌رود و از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحلیل نهادی از مدل معروف تعادل عمومی والراس و تفاوت های تحلیل با اقتصاد نئوکلاسیک مشخص شد، که در آن بسیاری از نهادها که وجود آنها لازم است نادیده و مفروض در نظر گرفته می‌شود و در پایان درس هایی برای اقتصاد اسلامی و برنامه های تحقیقاتی آینده ارائه شد. این نگاه سبب می‌شود که نظریه های اقتصاد نئوکلاسیک با دید عمیقتر و ابعاد بیشتری بررسی شود تا در صحنه عمل سیاستگذاران و بازیگران اقتصادی بتوانند هر چه دقیقتر به جوانب فعالیت‌های خود واقف باشند. با توجه به این نگاه برنامه هایی برای تحقیقات آینده در حوزه اقتصاد اسلامی پیشنهاد شد که امیدوار است در مسیر رشد و تعالی اقتصاد اسلامی در عصر مدرن راهگشا باشد. در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگر بر این باوریم اقتصاد نئوکلاسیک پاسخگوی مسائل امروز بخصوص از منظر اسلامی نیست رویکرد نهادگرائی با وسعتی که دارد بستر مناسبی در این راه خواهد بود.

ملت دوست و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق مسئولیت مدنی شهرداری ها طبق نظام حقوقی ایران و کامنلا بیان کردند حقوق کامن لا با وجود مورد های عملی فراوان مسئولیت مدنی شهرداری و مدیران آن ها و همچنین تفاسیر مبسوط قضاات از شرایط هر پرونده و ارائه فاکتور هایی ثابت و عملی ، می تواند نقاط قوت و خلأهای قانونی موجود در حقوق ما را بهتر بنمایاند. آنچه ما را واداشت که بحث مسئولیت مدنی شهرداری را که به نوعی در حوزه حقوق عمومی نیز مطرح است ، مورد بررسی قرار دهیم علاوه بر عدم توجه موردی به مقوله مسئولیت اشخاص حقوقی در نوشتارهای حقوقی، این دغدغه بود که به راستی در مقام یک زیان دیده چگونه می توان جهت تدارک طرح دعوی خسارت و پیروزی در آن به طرفیت شهرداری مبانی توجیهی لازم را یافت. همچنین در این تحقیق برآنیم که معیارهای انتساب مسئولیت مدنی بر کارکنان شهرداری به خصوص شهرداران را مورد تحلیل و نقادی قرار دهیم در این پژوهش سعی شده است که با نگاهی جامع و دقیق به وظایف قانونی شهرداری و انطباق آنها با ارکان مسئولیت مدنی و همچنین ذکر مثال ها و مصادیق عملی ، فنی و نو، در این باب با عنایت به قوانین موجود، حداکثر تلاش به عمل آید تا در باب مسئولیت مدنی شهرداران و شهرداری نقاط کور و مبهم به حداقل خود برسد. همچنین شهرداری در راستای اجرای وظیفهی حمل و نقل عمومی بر مبنای قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه و همچنین بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در راستای وظایف عمرانی در قبال خساراتی که بر اشخاص واد می کند، مسئولیتی محض خواهد داشت. گاهی برای شهرداری به عنوان کارفرما در قبال خساراتی که مستخدمان آن وارد می آورند مسئولیتی ناشی از فعل غیر حاصل می آید. در رابطه با مسئولیت شهردار باید قائل بر این شد که اصل بر بیگناهی مستخدم است و بی احتیاطی، بیمبالاتی، خروج از صلاحیت، حالت استثنائی دارد. (ساری، ۱۴۰۱)

حقوق شهری و شهرداری

حقوق شهری به عنوان یکی از رشته‌های جدید حقوقی (گفتار اول) زمینه‌آشنایی با شورای اسلامی شهر به عنوان نهادی ناظر و تصمیم‌گیرنده در بخش مدیریت شهری را فراهم خواهد آورد. آشنایی با ماهیت حقوق شهری و منابع آن از یک سو (بند اول) و قواعد و شاخصه‌های آن از سوی دیگر (بند دوم) چشمانداز روشنتری از این رشته جدید حقوقی فراهم خواهد آورد. (شرافتی، ۱۴۰۲).

ماهیت حقوق شهری و منابع آن

حقوق شهری رشته حقوقی جدیدی است که در دسته بندی‌های کلاسیک رشته‌های حقوقی پیش‌بینی نشده است. در واقع، «سالها تنها مالک دسته بندی رشته‌های حقوقی، طبیعت قواعد راجع به آن بود؛ برای مثال، میتوان به رشته‌های حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق جزا، قواعد راجع به آیین دادرسی و حقوق اداری اشاره نمود. در مقابل این تقسیم بندی کلاسیک، امروزه با توجه به کاربرد قواعد حقوقی، تقسیم بندی دیگری مطرح شده است. بدون شک حقوق کار از اولین مثالهای این دسته بندی جدید به شمار میرود؛ حقوق رقابت، حقوق توزیع، حقوق محیط زیست، حقوق مصرف... و بالاخره حقوق شهری نیز در این دسته بندی کاربردی قابل شناسایی است. این دسته بندی «به موازات دسته بندی کلاسیک می‌باشد؛ به بیانی دیگر هر رشته از رشته‌های دسته بندی جدید بر رشته‌های گوناگونی از دسته بندی کلاسیک منطبق می‌گردد. بنابراین، حقوق شهری یکی از شاخه‌های حقوق عمومی داخلی است که مشمول دسته بندی‌های ماهوی نمیگردد و از جمله رشته‌های حقوقی است که در دسته بندی‌ها کاربردی قرار میگیرد. این رشته حقوقی که با حقوق اداری رابطه نزدیکی دارد، مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است و با وضع قواعد آمره، در زمینه‌های مدیریت شهری، اراضی شهری، شهرسازی و معماری، محیط زیست، حمل و نقل و ترافیک، خدمات شهری، قواعد ایمنی، پیشگیری و مقابله با بحران... و در جهت حفظ منافع عمومی، محلی و نیازمندی‌های شهروندان به تنظیم روابط اداره کنندگان و اداره شوندگان شهرها و بیان حقوق و تکالیف آنها می‌پردازد. (پاکدامن، ۱۳۷۴)

در زمینه منابع حقوق شهری باید گفت: در نظام حقوقی کشور ما همانند تمامی نظام‌های حقوقی نوشته، در میان منابع حقوق (که عبارتند از قانون، عرف، رویه قضایی و نظریه علمای حقوق) قانون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حقوق شهری نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

شاخصه‌های حقوق شهری

همان گونه که گفته شد، رشته حقوق شهری بدان جهت که در دسته بندی‌های کاربردی قرار میگیرد حاوی قواعدی با ماهیت‌های گوناگون است اما، برآیند این مجموعه متمایل به سمت قواعد رشته حقوق عمومی است که ذیال به مهمترین آنها اشاره خواهد شد:

حفاظت از منافع عمومی

حفظ منافع عمومی یکی از اساسیترین شاخصه‌های حقوق شهری است. نفع یا منافع عمومی «منفعت خاص هیچ کس نیست، بلکه منافع مشترک و عام همه افراد و گروه‌های یک جامعه سیاسی معین میباشد و مفهومی است عام و جامع و در برگیرنده منافع کلی هر جامعه سیاسی؛ این منافع غیر قابل تقسیم است». (میرنظامی، ۱۴۰۰)

حفاظت از منافع محلی

حفظ منفعت محلی و منطقه ای نیز یکی دیگر از خصایص حقوق شهری است. منفعت محلی و منطقه ای اگرچه به گونه ای بر منافع عمومی جامعه محلی منطبق میگردد و گویای منفعت مشترک و عام همه افراد و گروه‌های یک جامعه محلی معین است لکن، این مفهوم در مقابل منفعت عمومی به معنی اخص کلمه که در برگیرنده منافع عمومی ملی است از دامنه شمول محدودتری برخوردار است. بنابراین، منفعت عمومی قابل استعمال در هر دو معنای عمومی در سطح ملی و در سطح محلی و منطقه ای است.

مقدم نمودن منافع عمومی بر منافع محلی و منافع خصوصی

بنا به قاعده عقلایی «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» تا زمانی که جمع بین منافع عمومی، محلی و خصوصی ممکن است، حکومت موظف است ضمن رعایت حقوق و منافع عمومی، حقوق و منافع محلی و خصوصی اشخاص را مورد تعدی قرار ندهد؛ لکن، در فرض تعارض مابین این منافع، منفعت عمومی ملی بر منفعت محلی و خصوصی مقدم خواهد بود. بنابراین، همان گونه که یکی از رسالت‌های حقوق اداری تعیین حدود و ثغور منفعت عمومی و منفعت خصوصی و نحوه جمع آنها و چگونگی ترجیح منفعت عمومی بر منفعت خصوصی است، حقوق شهری در مواردی که بر این رشته حقوقی منطبق میگردد و قواعد آن را به کار میگیرد در زمینه تقدم منفعت عمومی ملی بر دو قسم دیگر به همین شکل عمل خواهد نمود؛ چرا که منفعت محلی اگرچه منفعتی عمومی در سطح منطقه ای و محلی است، اما دامنه شمول محدودتری از منفعت عمومی در سطح ملی دارد.

آمره بودن قواعد حقوق شهری

قواعد موجود در شاخه های حقوقی مرتبط با حقوق عمومی به علت جهت گیری به سمت حفاظت از منافع عمومی علی القاعده آمره میباشند. وصف آمریت قواعد موجود در حقوق شهری موجب میگردد تا مجریان قوانین و مقررات مربوط به آن در موضع ممتاز و برتر قرار گیرند. قوانین و مقررات مربوط به چگونگی تملک امالک واقع در طرح های عمومی، حمل و نقل و ترافیک، شهرسازی و معماری، توسعه معابر شهری،... از جمله مقرراتی است که وصف آمریت یدر قواعد آن مشهود است.

وظایف و اختیارات شهرداریها در چارچوب حقوق شهروندی

در این گفتار مطالعات بخش بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات شهرداری ها در جهان در قالب محورهای زیر ارائه میگردد:

الف: وظایف و اهداف کلان مدیریت شهری و شهرداری ها از دیدگاه سازمان های بین المللی.

ب: وظایف و اختیارات شهرداری ها در کشورهای توسعه یافته.

ج: وظایف و اختیارات شهرداری ها در کشورهای در حال توسعه.

د: مقایسه جایگاه و وظایف شهرداری ها در شهرهای منتخب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه.

ه: نتایج بررسی.

نهادها و تأثیر آن در اقتصاد اسلامی

نهادها اعم از رسمی و غیررسمی در بستر سیاسی اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند که ناشی از آداب و رسوم، اصول و قواعد، جهان بینی و ایدئولوژی، قوانین عرفی می‌باشد. به یقین در این میان نقشی که مذهب در تأثیر بر اقتصاد و کارگزاران آن ایفا میکند بسیار فراگیر و عمیق خواهد بود. ویلیامسون در تحقیق خود به چهار سطح تحلیل اجتماعی اشاره می‌کند. سطح اول جایی است که هنجارها رسوم، اخلاقیات و مذهب جای دارند. در سطح دوم که به عنوان محیط نهادی یاد میشود با گذر از محدودیت‌های غیررسمی قواعد رسمی مانند قانون اساسی، حقوق مالکیت و قواعد عادی شکل می‌گیرد. سطح سوم نهادهای اعمال مدیریت خواهد بود. مدیریت قراردادها و واکنش‌های حل اختلاف با هدف شفاف کردن و اقتصادی کردن نهادها به وجود می‌آیند. در سطح چهارم از ابزار بهینگی و تحلیل نهایی استفاده میشود و بدین منظور بنگاه به طور نوعی یک تابع تولید در نظر گرفته میشود. تحلیل نئوکلاسیک در این سطح کارا عمل میکند. سطح یک/ تئوری اجتماعی سطح دو/ اقتصاد حقوق مالکیت- تئوری سیاسی اثباتی سطح سه/ اقتصاد هزینه معاملاتی سطح چهار/ تئوری بنگاه اقتصاد نئوکلاسیک در یک دسته بندی دیگر ویلن نهادها را به دو دسته تشریفاتی و تکنولوژیکی تقسیم میکند. نهادهای تشریفاتی شامل حقوق مالکیت، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادهای غیرمالی میشود. از طرف دیگر نهادهای تکنولوژیکی به اختراع‌ها، تولیدها، روش‌ها و تکنولوژی اشاره دارد. (نیک نژاد، ۱۳۹۸)

این دو دسته نهاد از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و به طور پیچیده ای به یکدیگر بستگی دارند. برای مثال نهادهای اقتصادی اجتماعی دوران فتودالیه اساساً مشخصه تکنولوژی قرون وسطی بوده همچنانکه نهادهای تشریفاتی معاصر مشخصه روش‌های تولیدی پیشرفته تر قرون نوزدهم و بیستم است. همانگونه که توضیح داده شد عملکرد اقتصادی در بستر نهادی شکل می‌گیرد که ریشه در تاریخ و فرهنگ هر جامعه ای دارد. بر اساس این پیش فرض و اهداف اساسی که برای نهادها برشمردیم، کار او غیرکارا بودن نهادها و تأثیر آنها بر عملکرد اقتصادی به شکل پیوسته ای باید مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تشخیص غیرکارا بودن آنها بوسیله سیستم‌هایی اجتماعی، ترتیبات و ساختار نهادی [مورد بازبینی قرار گیرند. در جوامع اسلامی با توجه به جهانیابی اسلامی مبنی بر جامع‌الاطراف بودن دین اسلام این بررسی از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. چون اسلام دارای اصول فرازمانی می‌باشد که در همه اعصار لازمالاتباع می‌باشد و با توجه به تغییر نهادهای تکنولوژیکی، نهادهای تشریفاتی نیز همزمان باید به صورت هماهنگ در چارچوب اصول برای کارایی و برابری اقتصادی تغییر یابند. مسئولیت و تکالیف از منظر علم حقوق، واجد گونه‌های مختلفی است. شاید مهم‌ترین نوع مسئولیت و تکالیف، وجود مسئولیت قانونی است. در مجموع مسئولیت، پاسخگوئی به تخلفانی است که شخصی نسبت به تعهدات و وظایف خود مرتکب شده و مسئول کسی است که فریضه ای بر ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می‌شود و بدیهی است هر تلف و زیانی که به وسیله عمل دیگری تحقق یابد، خواه منشأ آن بی احتیاطی، اهمال یا عدم اطلاع از امری که دانستن آن لازم است یا خطای مشابه هر چند بسیار سبک باشد، باید به وسیله کسی که بی احتیاطی یا خطای دیگری داشته جبران شود زیرا این عمل ظلمی است که اعمال شده است هر چند فاعل قصد اضرار نداشته باشد. بنابراین تصور اشخاص و سازمان‌ها مانند شهرداری‌ها، ادارات راه و ترابری، برق، آب، گاز، مخابرات یا پیمانکاران آن‌ها هنگام انجام عملیات اجرائی برخواسته از مسئولیت و تکالیفی است که این اشخاص برعهده دارند و کوتاهی ایشان در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود همچون عدم

نصب علائم استاندارد و عدم رفع نقص و بی توجهی به ضوابط ایمن سازی در صورتی که منجر به وقوع اتفاقات مرگباری گردد و صدمات و هزینه های جبران ناپذیری بر مردم تحمیل می نماید، مشمول مسئولیت مدنی و جبران خسارت است. مسئولیت مدنی لزوم جبران خسارتی است که از ناحیه شخصی خارج از الزامات قراردادی و یا اعمال مجرمانه به دیگران وارد می آید و با وجود این در تعبیر دیگر مسئولیت مدنی شاخه ای از مسئولیت حقوقی است. بدین معنی که تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آن که زیان مذکور در اثر عمل شخصی یا عمل اشخاص وابسته به او ناشی شده باشد که شامل مسئولیت و تکالیف قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد (مسئولیت قهری) می شود. فی الواقع مسئولیت قراردادی هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه ای قانونی زبانی به کسی رسد. مدیریت شهری به عنوان یک سیستم اداری، محلی و غیرمتمرکز، اداره امور شهر را بر عهده دارد و در کلان امر از نظارت عمومی دولت ها خارج است و به عنوان یک سازوکار محلی شناخته می شود که ارگان ها و سازمان هائی همچون شهرداری، شورای شهر و دیگر نهادهای ذیربط را شامل می گردد. بر همین مبنا می توان گفت که مدیریت شهری و نهادهای متشکله آن در رهگذر انجام تکالیف و وظایف خود ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورند، که این خسارت در حوزه مسئولیت کیفی و مدنی مورد توجه قرار گرفته است. در این باب ممکن است، مدیریت شهری در اجرای تکالیف و وظایف کلی خود گونه هائی عام و ویژه از مسئولیت را داشته باشند. (پاکدامن، ۱۳۷۴)

مثلا ممکن است در عرصه هائی همچون اجرای قوانین و مقررات مسئولیت های ناشی از مالکیت بر معابر، بناها و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه موجود مسئولیت برای شهرداری باشد. هر چند که در مقابل مواردی وجود دارد که شهرداری علیرغم ورود زیان، مسئول شناخته می شود که این موارد را می توان چنین برشمرد: تقصیر زیان دیده، فعل ثالث و علل موجهه چون دفاع مشروع، اجرای قانون و اعمال برخاسته از اضطرار تکالیف و مسئولیت این نهادها. امروزه این فکر که اشخاص حقوقی حقوق عمومی به دلیل آن که فعالیت آن ها در جهت مراعات منافع عمومی است مسئولیتی نداشته باشند مردود است و جایگاهی در حقوق پیشرفته کنونی ندارد. در بیان اهمیت و جایگاه مسئولیت مدنی همین بس که امروزه حجیم ترین دعاوی کلیه بخش های مربوط به حقوق مدنی را دعاوی راجع به مسئولیت مدنی تشکیل می دهند که این امر به خاطر پیشرفت روزافزون جامعه و افزایش میزان کمی خسارات است. در نظام زندگی شهری با حاکمیت دولت ها و سازمان های متولی مدیریت شهری مانند شهرداری ها، اداره محیط های عمومی به نمایندگی مردم مستلزم مدیریتی نوین است. در این میان، گاهی تدبیر امور شهری با اجرای طرح های عمومی و تملک اراضی همراه میشود و سؤالاتی را در موضوع احترام به حقوق مالکانه اشخاص در تقابل با مصالح عمومی مطرح میسازد. مضافا اینکه اهمیت مبحث مسئولیت مدنی را از لحاظ نظری نیز نباید فراموش کرد زیرا، صرفا با اتکاء به چند ماده انگشت شمار قانونی که مقنن در سال ۱۳۳۹ به عنوان قانون مسئولیت مدنی وضع نموده نمی توان به تمام دعاوی راجع به مسئولیت مدنی در محاکم پاسخ گفت و فصل خصومت نمود. البته در این راستا نباید از نقش احکام و قواعد فقهی غافل ماند زیرا با تمسک به برخی از قواعد فقهی مانند اتلاف یا تسبیب و... می توان بسیاری از مسائل راجع به مسئولیت مدنی را خصوصا در بخش ضمان قهری پاسخ داد. مضافا اینکه تعدادی از این قواعد در قالب مواد قانونی مورد توجه مقنن نیز قرار گرفته است (شرافتی، ۱۴۰۲).

زیان‌های غیر قابل انتساب به شهرداری

بحث واقعی در خصوص مسئولیت بدون تقصیر دولت و شهرداری را می‌توان در واقع ناشی از این دسته از زیان‌ها دانست. زیان‌هایی که دولت در وقوع آن‌ها هیچ نقشی ندارد. به گونه‌ای که ضرر وارد شده به افراد به هیچ وجه ناشی از عملکرد دولت و یا عوامل آن نیست، بلکه دولت به واسطه در نظر گرفتن مصالح اجتماعی که می‌تواند بسته به نوع جامعه، عدالت توزیعی، ایجاد نظم و امنیت و یا سیاستگذاری‌های مشروعیت‌طلبانه باشد، دست به جبران این قبیل خسارات می‌زند که با توجه به افزایش نقش دولت در ارتقای سطح زندگی شهروندان و انجام خدمات اجتماعی این مسئولیت دولت در حال افزایش است. در این دسته هر نوع خسارتی به وسیله دولت اعم از جانی و یا مالی با توجه به قوانین موجود جبران می‌گردد. پرداخت غرامت توسط دولت ناشی از شورش‌های خیابانی و اغتشاشات، برعهده گرفتن پرداخت خسارت بر اثر صدمات وارد شده حاصل از بیماری‌های مسری و طرح‌های واکسیناسیونی که بخش خصوصی اجرای آن را برعهده دارد در این دسته بندی جای می‌گیرد و تقریباً در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. در این خصوص کشور ما نیز یکی از کشورهایی است که قوانین ویژه‌ای را براساس این دیدگاه حمایتی تدوین نموده است. از مهم‌ترین این موارد پرداخت دیه‌هایی است که از بیت‌المال به آسیب دیدگان یا بازماندگان آن‌ها پرداخت می‌شود، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۳۳۳-۳۳۴-۴۳۵-۴۷۰-۴۷۳-۴۷۴-۴۸۴ دستور پرداخت دیه را از بیت‌المال صادر نموده است. ماهیت و جایگاه دیه بسته به اینکه دارای دیدگاهی عمومی باشیم یا خصوصی متفاوت است. در مواردی که دیه از طریق بیت‌المال (دولت) پرداخت می‌شود، جبران خسارت هدف اصلی محسوب می‌شود، در این موارد دیه را که می‌توان جزء حقوق مدنی و نه حقوق کیفری دانست، نوعی ابتدائی از تأمین اجتماعی است. که در قلمرو حقوق عمومی، بر مبنای عدالت توزیعی و به عنوان گونه‌ای از حقوق شهروندی محسوب می‌شود. علاوه بر پرداخت دیه از جانب دولت به عنوان نمونه می‌توان از جبران خسارت در زیان‌های غیر قابل انتساب به فعل دولت می‌توان از پرداخت‌هایی نام برد که دولت به اشخاص حقیقی زیان دیده در اثر نزاع‌های جمعی، در اثر بمب‌گذاری‌ها و اقدامات آتش‌سوزی عملی ضدانقلاب‌ها و اشرار، سرقت‌های مسلحانه، غارت و راه‌بندی‌ها، اغتشاشات و بحران‌ها، گروگانگیری‌های غیرتسویه‌حسابی که اشرار و ضدانقلاب‌ها انجام می‌دهند، پرداخت دیه‌هایی که به خانواده‌هایی که وابستگان آن‌ها در اثر اقدامات اشرار و ضدانقلاب‌ها مجروح شده و یا به قتل می‌رسند و جبران خسارات نیروهای خودی که در اثر اقدامات اشرار دچار خسارت می‌شوند. (میرنظامی، ۱۴۰۰)

نتایج

(مسئولیت) کلمه‌ای عبری است و معادل فارسی آن عبارت «پاسخگویی» است که معنای آن، از لحاظ لغوی، تا حدودی واضح و روشن است و ابهامی ندارد. در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور نشده است. مسئولیت عبارت از پاسخگویی شیخ در قبال اعمالی است که عرفاً ره او استناد داده می‌شود که ضمانت اجرای قانونی آن بر حسب نوع مسئولیت متفاوت است، مثال مسئول بودن در امور کیفری، عبارت از تحمل مجازات قانونی مترتب بر جرم می‌باشد، ولی مسئول بودن در امور مدنی، عبارت از التزام به جبران خسارت ناشی از فعل به حکم قانون می‌باشد. بنابراین، مسئولیت مدنی عبارت است از: «التزام و تعهد قانونی شیخ به جبران ضرر و زیانی است که در نتیجه

عمل مستند به او به دیگری وارد شده است» منشراً التزام و تعهد ممکن است اراده و قرارداد متعهد باشد که به تعهد ارادی یا قراردادی تعبیر می‌شود و یا ممکن است، قانون باشد که چنین تعهد و التزامی ضمان قهری یا مسئولیت مدنی به معنای خاص گفته می‌شود. (ساری، ۱۴۰۱)

همواره اصل عدالت خواهی در جوامع بشری ایجاب می‌نماید تا اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی در برابر اعمال و رفتار خویش مسئول باشند تا از این طریق نظم و امنیت بیشتری بر جوامع انسانی حاکم گردد. اشخاص حقوقی و حقیقی با توجه به ماهیتی که از آن برخوردار هستند نوع مسئولیتشان هم متفاوت است. اشخاص حقوقی که فرد اعلای آن دولت و نهادهای وابسته به آن می‌باشند با توجه به نقش حاکمیتی که در داخل مرزهای یک کشور دارند همواره در فرادست قرار دارند و این فرادستی نهاد حاکمیتی در گذر زمان فراز و فرودهای پرشماری را پشت سر گذاشته و بدون شک از ابتدای شکل‌گیری این مفهوم تاکنون با تحولات بسیاری روبرو شده که مطمئناً این تحولات منتهی به تکامل مفهوم حاکمیت شده است. شکل‌گیری دولت‌ها در قرن شانزدهم در اروپا یکی از تحولات بسیار مهم در این حوزه می‌باشد. پس از این رویداد که نقطه‌ی عطفی در تاریخ حقوق به حساب می‌آید، زمانی افراد تصور می‌کردند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانها و تولیدکنندگان تنها در قبال سهامداران و کارکنان مسئولند و تنها تولید بهترین کالا و محصول مصرفی با قیمت پایین‌تر به مشتریان کافی است، بدون اینکه توجه کنند که محصول و خدمت تولیدی دارای چه آثار و پیامدهایی خواهد بود. رقابت شدید، افزایش جمعیت و کمبود منابع، آلودگی هوا و بسیاری از مسائل و مشکلات زیست‌محیطی دیگر موجب به وجود آمدن رویکردهای نوین نسبت به سازمان و مدیریت شد که تعهد و مسئولیت اجتماعی نیز نتیجه آن تحولات بود.

حکمرانی خوب در نقطه مقابل حکمرانی بد طرح شده و به اعمال حکومت بر مبنای شاخص‌هایی همچون: تعامل مستمر حکومت با شهروندان گروه‌ها شکلات و اصناف مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها حاکمیت قانون‌پاسخگویی مسئولیت‌پذیری و نظارت‌پذیری حکومت‌های مرکزی و حکومت‌های محلی شفافیت در عملکرد حکومت، گسترش عدالت و تلاش برای کاهش نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و مانند آن اطلاق می‌شود حکمرانی خوب «شهری نیز اصطلاحی است که در ذیل عنوان کلی حکمرانی خوب و با همان ویژگی‌ها و شاخص‌های فوق‌الذکر در سطح شهری قابل بررسی و اطلاق است. در دنیای آکنده از ارتباطات و آگاهی‌های گسترده و جامعه شهری متنوع و پیچیده فرایندهای یک‌سویه و غیر مشارکتی حکمرانی دیگر اهمیتی ندارند لذا حکمرانی خوب شهری بر مبنای حکمرانی مشارکتی بسیار ضرورت یافته است تا پاسخگوی نیازهای متنوع و رشد‌یابنده جامعه شهری پیچیده گردند. حکومت را نباید با حکمرانی یکی تلقی کرد حکومت متشکل از نهادهای سیاسی - اداری و دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی قضایی است که عهده‌دار برقراری نظم و امنیت اداره جامعه و رفع نیازهای متعدد مردم هستند، حال آنکه حکمرانی به فرایندهای تصمیم‌گیری چگونگی اعمال قدرت تعامل‌های دو‌سویه دولت و شهروندان اشاره دارد به مفهوم دیگر حکمرانی به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری شیوه کاربرد قدرت و تعامل‌های دولت و شهروندان اشاره دارد. در ضمن حکمرانی خوب با ویژگی‌هایی همچون حکومت، قانون‌مدیریت کارآمد، پاسخگویی و روشن بودن رفتارها و تصمیم‌های حکومت و روشن بودن رفتارها و تصمیم‌های حکومت نظارت‌های نهادمند عدالت‌گستری امنیت‌گستری، توزیع عادلانه و منطقی، کالاها، خدمات و ارزشهای بنیادی مشارکت سیاسی و مدنی گروه‌ها و نهادهای مدنی و کاهش چشمگیر فساد و تبعیض در زمینه‌های گوناگون همراه

خواهد بود. به طور بنیادی حکمرانی در مورد اعمال قدرت، تعامل و پاسخگویی است و با پرسش‌های مهمی همچون چگونه تصمیم‌ها اتخاذ میشوند چه کسی یا کسانی تصمیم‌گیر هستند، تعامل دولت و شهروندان چگونه باید صورت گیرد؟ مرتبط است و این پرسش‌ها را میتوان در سطح محلی، منطقه‌ای کشوری جهانی مطرح کرد. در چند دهه اخیر نوسازی و تحولات اقتصادی سیاسی و اجتماعی شتابان در کشورهای جهان از یک سو و انقلاب ارتباط و اطلاعات و جهانی شدن شتابان از سوی دیگر منجر به پیچیده‌تر شدن جوامع و روابط بین حکومتها و جامعه‌هایشان و نیز در سطح جهانی به در هم تنیدگی بیشتر جوامع و حکومت‌ها شده‌اند در بستر تحولات یاد شده این پیچیدگی و تنوعات در سپهرهای داخلی منطقه‌ای و، جهانی فرایندی طبیعی است؛ در عین حال پتانسیل بحران و بی‌ثباتی را نیز به همراه دارد. حکومت‌ها در به ستر پیچیدگی‌های داخلی منطقه‌ای و جهانی با چالش‌های گوناگون بالقوه و بالفعل مواجه می‌شوند، لذا توجه جدی و روزافزون آنها به مقوله حکمرانی خوب و تحقق بخشیدن به شاخص‌های آنها برای مدیریت مطلوب و کارآمد جامعه و کسب و استمرار بخشیدن به رضایت عمومی از حکومت‌ها، بسیار ضرورت دارد. یکی از ابعاد تحول در جهان، امروز گسترش شهرنشینی و پیچیده‌تر شدن این عرصه از منظر تعاملات و ارتباطات در سطوح فردی گروهی و نهادی تنوعات نهادی صنفی و نیز آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی فزاینده شهرنشینان است. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جامعه شهری به تبع پیچیدگی‌های نهادی، فیزیکی و ارتباطی و آگاهی فزاینده به مراتب بسیار بیش از گذشته نسبت به حکومت و عملکردهای آن در نحوه مدیریت و حکمرانی شهری حساس بوده و واکنش نشان می‌دهد و حکومت‌ها و زیرمجموعه‌های نهادی آن در حوزه مدیریت شهری با تقاضاهای فزاینده، اجتماعی، خدماتی، اقتصادی، سیاسی شهروندان مواجه شده‌اند؛ لذا توجه به مقوله حکمرانی خوب شهری برای مدیریت مطلوب و کارآمد شهری و خدمات رسانی به هنگام کافی منصفانه عدالت جویانه و قانونمند در زمینه‌های گوناگون بیش از گذشته ضرورت می‌یابد. در این راستا باید خاطر نشان کرد که پیچیده‌تر شدن شهرها و شهرنشینی در جهان امروز قطعاً پیچیده‌تر شدن حکومت را میطلبد؛ لذا توجه به حکمرانی خوب شهری با شاخص‌هایی مانند مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌سازی و نظارت آنها، پیچیدگی نهادی کادر سازی از نیروهای انسانی توانمند حاکمیت، قانون پاسخگویی شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شهری و مناسبات، رفع بحرانها و جلوگیری از بحران‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ در جامعه شهری بسیار ضروری است. (پاکدامن، ۱۳۷۴)

یکی از ابعاد تحول در جهان امروز گسترش شهرنشینی و پیچیده‌تر شدن این عرصه از منظر تعاملات و ارتباطات در سطوح فردی، گروهی و نهادی، تنوعات نهادی، صنفی و نیز آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی فزاینده شهرنشینان است. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، جامعه شهری به تبع پیچیدگی‌های نهادی فیزیکی و ارتباطی و آگاهی فزاینده، به مراتب بسیار بیش از گذشته نسبت به حکومت و عملکردهای آن در نحوه مدیریت و حکمرانی شهری حساس بوده و واکنش نشان میدهد و حکومت‌ها و زیرمجموعه‌های نهادی آن در حوزه مدیریت شهری با تقاضاهای فزاینده، اجتماعی، خدماتی، اقتصادی، سیاسی شهروندان مواجه شده‌اند؛ لذا توجه به مقوله حکمرانی خوب شهری برای مدیریت مطلوب و کارآمد شهری و خدمات رسانی به هنگام، کافی منصفانه عدالت جویانه و قانونمند در زمینه‌های گوناگون بیش از گذشته ضرورت می‌یابد. (شرافتی، ۱۴۰۲). در این راستا باید خاطر نشان کرد که پیچیده‌تر شدن شهرها و شهرنشینی در جهان امروز قطعاً پیچیده‌تر شدن حکومت را می‌طلبد؛ لذا توجه به حکمرانی خوب شهری با شاخص‌هایی مانند مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌سازی و نظارت آنها پیچیدگی، نهادی کادر سازی

از نیروهای انسانی توانمند حاکمیت، قانون پاسخگویی شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شهری و مناسبات، رفع بحران‌ها و جلوگیری از بحران‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ در جامعه شهری بسیار ضروری است. شایان ذکر است که موضوع حکمرانی خوب، شهری قلمرو گسترده‌ای دارد و پرداختن به این قلمرو گسترده منطقی نیست و در ضمن محدودیت زمانی و نیز اصول علمی تحقیق چنین امری را مجاز نمی‌سازد لذا در این تحقیق، به موضوع حکمرانی خوب شهری در حوزه شورای شهر و شهرداری‌ها پرداخته می‌شود. شهرداری‌ها و شوراهای شهر عهده‌دار خدمات رسانی در طیف گوناگونی همچون مرمت و زیبا سازی شهر ایجاد و گسترش فضاهای سبز عمران شهری اجرای قوانین و مقررات در خصوص ساخت مسکن و خیابان‌ها و مانند آن ایجاد و گسترش تأسیسات و حمل و نقل و ارتباطات، شهری خدمات رسانی در عرصه فرهنگی از قبیل، کتابخانه‌ها فرهنگ‌سراها و مانند آن هستند؛ ایفای نقش مطلوب آنها در عرصه خدمات رسانی متنوع و گسترده نیازمند تحقق مؤلفه‌های ذیل هستند

۱. کادر سازی قوی از مدیران و نیروهای انسانی متخصص و متعهد
 ۲. مدیریت مشارکتی و مشارکت فراگیر، شهروندان گروه‌ها و اصناف شهری
 ۳. اطلاعات محور شدن مدیریت و حکمرانی شهری
 ۴. نظارت پذیری و توجه بازخوردها
 ۵. حاکمیت قانون
 ۶. مسئولیت پذیری و پاسخگویی
 ۷. شفافیت و فساد ناپذیری
 ۸. ایجاد مرکزی یا اداره تحقیقات و پژوهش
- که در واقع این مؤلفه‌ها می‌توانند راهبردهایی برای تحقق حکمرانی خوب شهری تلقی شوند.

منابع

- ایزدی، حسن (۱۳۷۴) درآمدی بر حقوق شهرداری حوزه معاونت املاک شهرداری شیراز، آخرین مصوبه مربوط به عوارض شهرداریها مربوط به سال ۱۳۶۶ است که تا آغاز فعالیت شوراهای شهر مبنای اخذ عوارض بوده است. مجله شهرداریها شماره ۳۲
- پاکدامن، رضا (۱۳۷۴)، جنبه‌های کاربردی خصوصی سازی مجمع فرهنگی مجد، تهران.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر کتاب «چارچوبهای قدرت»، اثر استوارت، آرگلک، ترجمه مصطفی یونسی، انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی.
- چوپانو گلوس، ج و همکاران (۱۳۷۴)؛ سیستم مدیریت مواد زائد جامد، ترجمه محمد علی عبدلی، سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران
- دبیر اجرایی سکونتگاه های انسانی سازمان ملل (۱۳۷۳)، بهبود مدیریت شهری، ترجمه نوید سعیدی رضوانی، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران.
- دبیرخانه ستاد و برنامه ریزی و نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- راش مایکل (۱۳۷۷)، «جامعه و سیاست؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی»، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.
- روبرت پانتام (۱۳۸۰) دموکراسی و سنتهای مدنی دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲). کتاب سبز شهرداری ها، جلد یازدهم: مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- سعیدی رضوانی، نوید، و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۲). امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها جلد اول: بررسی تحولات نظری و تجارب جهانی. تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- سمیه ساری (۱۴۰۱)، بررسی مبانی مسئولیت مدنی شهرداری ها در مدیریت شهری، اولین کنگره و نمایشگاه بین المللی صنعت و بازار سازهای نوین، جزیره کیش
- سید صادق معصومی، مهدی افشون (۱۴۰۱)، وظایف شهرداری در چارچوب حقوق شهری، دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ
- سیدمصطفی ملت دوست، بهزاد فرهنگ، اعظم خوشکار (۱۳۹۹)، مسئولیت مدنی شهرداری ها طبق نظام حقوقی ایران و کامنلا، حقوق شهری و شهرسازی، چاپ چهارم، صفحه ۱۸ ناشر انتشارات مجد
- شفیعی پور صادق (۱۳۷۹)؛ قانون، شهرداری با آخرین اصلاحات و بانضمام قوانین آیین نامه ها و نظارت مشورتی مربوطه، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- فاطمه نیک نژاد احمدسرای (۱۳۹۸)، بررسی حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی اعضای شورای شهر و شهرداری در ایران، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی حقوق و علوم سیاسی ایران - تهران
- فروزان روستایی گرایلو (۱۴۰۰)، بررسی مسئولیت مدنی شهرداریها ناشی از اجرای مصوبات شوراهای اسلامی شهر، فصلنامه مطالعات حقوق، دوره جدید. شماره پانزدهم. صص ۲۳۷-۲۵۶
- مریم شرافتی (۱۴۰۲)، وظایف حقوقی شهرداری ها، ششمین کنگره ملی آنالیز داده ها در علوم انسانی، تهران
- وحید میرنظامی، فائزه بهادر (۱۴۰۰)، بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی، تمدن حقوقی دوره ۴، شماره ۹، صفحات ۵۷۷-۵۵۹

Studying the role of civic responsibility of the mayor and municipality and its impact on urban management and citizen satisfaction

Mehdi Sadeghi Nia^{1*}

Abstract

The purpose of this article is to study and investigate the civil responsibility of the mayor and the municipality. Basically, someone is considered a citizen who is not only a ruler of the municipality, but also has innate rights and natural rights, the municipality respects and supports these rights, the status of citizenship is determined by the laws of each government. Citizenship rights are a set of private rights and public rights. Private rights are opposed to public rights and it is a privilege that each person has against others; Such as ownership rights, usufruct rights, intercession rights, mortgage rights and cucumber rights. These rights, such as the right to own and occupy property, residential and commercial places, etc., may be violated by municipalities. The main duties and powers of municipalities, which are foreseen in Article 55 of the Law of Municipalities and other regulations, are management practices that conflict with the rights of individuals. Acquiring people's land and properties, paving streets and building parks and green spaces and other public places that are done in private properties, cleaning roads, preventing roadblocks, taking care of the health of city residents, removing danger from buildings, preventing Construction of buildings is not allowed and these are one of them. Usually, doing these things is not always done with the consent of the other party of the municipality, and this creates the basis for the appearance of legal problems in the municipalities against a strong obstacle called "personal rights".

Keywords: Civil responsibility of the mayor, municipality, citizens' satisfaction, urban management.

¹ Corresponding author: Bachelor of Laws, Payam Noor Jahrom University / Mehdi.sadeghinia@yahoo.com